



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیر الانبیا حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ ضرورت و صفات خلیفه‌ی خداوند
۲. احکام؛ ولایت، قضاوت و شهادت

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: اسماعیلی

تاریخ: ۱۳۹۸/۱/۲۴

منظور از نیابت خاص چیست؟ آیا نمایان خاص بر مردم ولایت دارند؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۸/۱/۳۰

نایب خاص خلیفه‌ی خداوند در زمین کسی است که خلیفه‌ی خداوند در زمین او را به نام تعیین کرده است تا به وکالت از طرف وی کاری را انجام دهد؛ مانند مُعَاذ بن جَبَل هنگامی که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای تعلیم قرآن و قضاوت در یمن تعیین شد و مانند مالک اشتر نخعی هنگامی که توسط امیر المؤمنین علیه السلام برای اداره‌ی امور مصر تعیین شد و مانند مسلم بن عقیل هنگامی که توسط امام حسین علیه السلام برای گرفتن بیعت از کوفیان تعیین شد. نایب خاص خلیفه‌ی خداوند در زمین، لزوماً معصوم نیست و ممکن است مرتکب خطا و حتی خیانت شود. از این رو، اطاعت از او تنها در چهارچوب شرع واجب است؛ چنانکه در روایتی از علی علیه السلام رسیده است: «بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَرِيَّةً وَاسْتَعْمَلَ عَلَيْهِمْ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ، وَأَمَرَهُمْ أَنْ يَسْمَعُوا لَهُ وَيُطِيعُوا، فَأَغْضَبُوهُ فِي شَيْءٍ، فَقَالَ: أَجْمَعُوا لِي حَطَبًا، فَجَمَعُوا لَهُ، ثُمَّ قَالَ: أَوْقِدُوا نَارًا فَأَوْقِدُوا، ثُمَّ قَالَ: أَلَمْ يَأْمُرْكُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنْ تَسْمَعُوا لِي وَتُطِيعُوا؟ قَالُوا: بَلَى، قَالَ: فَادْخُلُوهَا، قَالَ: فَتَنَظَرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ، فَقَالُوا: إِنَّمَا فَرَزْنَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنَ النَّارِ، فَكَانُوا كَذَلِكَ وَسَكَنَ غَضَبُهُ وَطَفِئَتِ النَّارُ، فَلَمَّا رَجَعُوا ذَكَرُوا ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: لَوْ دَخَلُوهَا مَا خَرَجُوا مِنْهَا إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ»؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سربهای فرستاد و مردی از انصار را بر آنان گماشت و به آنان امر کرد که از او حرف‌شنوی و اطاعت داشته باشند، پس آنان او را در چیزی به خشم آوردند،

۱. مسند عبد الله بن المبارك، ص ۱۱۵؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۱۲۴؛ صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۰۷؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۶؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۵۹۱؛ سنن النسائي، ج ۷، ص ۱۵۹؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۸، ص ۱۵۶

پس گفت: برای من هیزمی گرد آورید! پس برایش گرد آوردند، سپس گفت: آتشی روشن کنید! پس روشن کردند، سپس گفت: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شما امر نکرد که از من حرف شنوی و اطاعت داشته باشید؟! گفتند: چرا، گفت: پس به آتش داخل شوید! در این هنگام آنان به یکدیگر نگریستند، پس گفتند: ما به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آتش پناه آورده ایم! پس بر این حال بودند تا اینکه خشم او فروکش کرد و آتش خاموش شد، پس چون بازگشتند آن را برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حکایت کردند، پس آن حضرت فرمود: اگر به آتش داخل می شدند از آن خارج نمی شدند! اطاعت تنها در نیکی است! البته روشن است که این قید و شرط نباید به بهانه ای برای تمرد در برابر نایب خاص خلیفه‌ی خداوند در زمین تبدیل شود؛ به این ترتیب که هر کس امری از اوامر او را نمی پسندد، ادعا کند که آن بر خلاف شرع است؛ زیرا منظور از شرع، اهواء و سلاقی مردم نیست، بل عقاید و احکام بین شرع است که میان مسلمانان مسلم و شناخته شده است. وانگهی هر کس متیقن است که امری از اوامر نایب خاص خلیفه‌ی خداوند در زمین بر خلاف عقاید و احکام بین شرع است، نباید بر او بشورد، بلکه باید او را امر به معروف و نهی از منکر کند و در صورتی که مفید واقع نشد، آن را به اطلاع خلیفه‌ی خداوند در زمین برساند تا او را اصلاح یا عزل کند. از اینجا دانسته می شود که تعیین نایب خاص غیر معصوم توسط خلیفه‌ی خداوند در زمین هنگامی که مردم به خلیفه‌ی خداوند در زمین دسترسی ندارند، حکیمانه نیست؛ زیرا در صورتی که نایب خاص غیر معصوم، خطا یا خیانت کند و امر به معروف و نهی از منکر مردم را نپذیرد، مردم نمی توانند به خلیفه‌ی خداوند در زمین شکایت کنند تا او را اصلاح یا عزل کند. بنابراین، در دوران غیبت خلیفه‌ی خداوند در زمین، نایب خاصی وجود ندارد، مگر اینکه دست کم از اصرار بر مخالفت شرع، معصوم باشد؛ بر خلاف دوران ظهور خلیفه‌ی خداوند در زمین که عصمت، بلکه چه بسا عدالت نایب خاص ضرورت ندارد؛ چراکه اگر ضرری مادی یا معنوی از ناحیه‌ی او متوجه مردم شود، خلیفه‌ی خداوند در زمین آن را تدارک می کند؛ چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خالد بن ولید را به سوی بنی جذیمه فرستاد تا آنان را به اسلام دعوت کند. پس او برخی از آنان را کشت و برخی از آنان را اسیر کرد. پس چون خبر این کار به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید، دست به آسمان برداشت و دوبار فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِمَّا صَنَعَ خَالِدٌ»؛ «خدایا! من برائت می جویم به سوی تو از کاری که خالد کرد». سپس علی علیه السلام را فرستاد تا دیه‌ی آنان را بپردازد و خساراتشان را جبران کند؛ همچنانکه ولید بن عقبه را برای گرفتن زکات از بنی مصطلق فرستاد. پس او چون آنان را دید که به استقبالش می آیند ترسید

۱. مصنف عبد الرزاق، ج ۵، ص ۲۲۱؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۱۵۰؛ صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۰۷؛ سنن النسائی، ج ۸، ص ۲۳۷؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۹، ص ۱۱۵
 ۲. مغازی الواقدي، ج ۲، ص ۸۸۲؛ الطبقات الکبری لابن سعد، ج ۲، ص ۱۴۸؛ علل الشرائع لابن بابویه، ج ۲، ص ۴۷۴؛ أمالی الطوسی، ص ۴۹۸؛ أسد الغابة لابن الأثیر، ج ۲، ص ۹۴

و از میان راه بازگشت و به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت که آنان زکات خود را نداده‌اند و خواسته‌اند که او را بکشند. پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اندیشناک شد که با آنان چه کند. در این هنگام خداوند بر او نازل کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»^۱؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! هرگاه فاسقی برای شما خبری آورد تحقیق کنید، مبدا از روی نادانی به قومی آسیب برسانید، سپس از کاری که کردید پشیمان شوید»^۲.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب شاه شیخ جعفر سبکی
مجلس تحقیقات اسلامی و فرهنگی



۱. الحجرات / ۶
۲. مغازی الواقدي، ج ۲، ص ۹۸۰؛ الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۲، ص ۱۶۱؛ جامع البيان عن تأويل آي القرآن للطبري، ج ۲۶، ص ۱۶۰